

**مقاله پژوهشی اصیل****مقایسه سوگیری توجه در نوجوانان مبتلا به اختلال هراس اجتماعی و نوجوانان بهنجار****مهدی رضا سرافراز<sup>۱</sup>**

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه تهران

**دکتر سیدمحمد رضا تقوی**

دکتر روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز

**دکتر محمدعلی گودرزی**

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه شیراز

**دکتر نوراله محمدی**

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه شیراز

**هدف:** هدف پژوهش حاضر مقایسه سوگیری توجه (نسبت به چهره‌های خشمگین، شاد و اشیا) در افراد مبتلا به هراس اجتماعی و افراد بهنجار بود. **روش:** گروه مبتلا به هراس اجتماعی هشت نفر بودند که با استفاده از *مقیاس غربالگری هراس اجتماعی* و *مصاحبه بالینی* انتخاب و با ۱۲ نفر از گروه شاهد، در متغیرهای سن، جنسیت و سطح تحصیلات هم‌تا شدند. سپس، آزمون رایانه‌ای «پروب‌دات تصویری» با استفاده از تصاویر واقعی چهره در دو گروه اجرا شد. **یافته‌ها:** نتایج که با روش تکرار سنجش مختلط و آزمون تعقیبی LSD تحلیل شد، حاکی از آن بود که افراد مبتلا به هراس اجتماعی، در مقایسه با گروه شاهد، اجتناب خود را از چهره‌های خشمگین نشان می‌دهند.

*کلیدواژه‌ها:* هراس اجتماعی، سوگیری توجه، گوش‌به‌زنگی، اجتناب

توجه با تمرکز بر دو روی سکه سوگیری توجه (گوش‌به‌زنگی و اجتناب) است.

مدل‌های نظری مختلف فرض می‌کنند که افراد مضطرب نسبت به تهدید گوش‌به‌زنگ هستند (بک<sup>۴</sup>، امری<sup>۱۵</sup> و گرین-برگ<sup>۱۶</sup>؛ آیزنک<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷؛ موگ<sup>۱۸</sup> و برادلی<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۸؛ موگ، برادلی، دینو<sup>۲۰</sup> و پینتر<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۷؛ ویلیامز<sup>۲۲</sup>، واتز<sup>۲۳</sup>، مک‌لئود<sup>۲۴</sup> و متیوز<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۷). هر یک از این مدل‌ها حاکی از آن هستند که توجه افراد مضطرب به محرک‌های مرتبط با نگرانی معطوف می‌شود. شواهد پژوهشی نیز از این یافته حمایت می‌کنند. تعدادی از نویسندگان فرآیند گوش‌به‌زنگی را با جزئیات

**مقدمه**

نقش عوامل شناختی در بروز و دوام هراس اجتماعی (مانند سایر اختلالات اضطرابی) از حوزه‌هایی است که بیشترین تحقیقات را به خود اختصاص داده و علی‌رغم جذابیت هنوز به نتایج قطعی دست نیافته است. هراس اجتماعی عموماً یک تخریب اساسی در فرآیند پردازش اطلاعات، افکار، نگرش‌ها و اعتقادات در نظر گرفته شده که باعث تحریک و نگهداری عواطف و رفتارهای وابسته به هراس اجتماعی می‌شود (کلارک<sup>۲</sup> و ولز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵؛ فینگشتین<sup>۴</sup>، شی‌یر<sup>۵</sup> و باس<sup>۶</sup>، ۱۹۷۵؛ ریپ<sup>۷</sup> و هیمبرگ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷؛ اشلنکر<sup>۹</sup> و لاری<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۲؛ ترورور<sup>۱۱</sup> و گیلبرت<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۹؛ همگی به نقل از ریپ و اسپنس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴). حوزه تحقیق در مورد عوامل شناختی با آنچه در این مقاله مورد نظر است، متفاوت می‌باشد. موضوع این پژوهش، فرآیندهای

- 2- Clark
- 4- Fenigstein
- 6- Buss
- 8- Heimberg
- 10- Leary
- 12- Gilbert
- 14- Beck
- 16- Greeberg
- 18- Mogg
- 20- de Bono
- 22- Williams
- 24- MacLeod

- 3- Wells
- 5- Scheier
- 7- Rapee
- 9- Schlenker
- 11- Trower
- 13- Spence
- 15- Emery
- 17- Eysenck
- 19- Bradley
- 21- Painter
- 23- Watts
- 25- Mathews

۱- نشانی تماس: شیراز، بلوار جمهوری اسلامی، خیابان کوهسار، ساختمان مهتاب، واحد ۲۰۱.

Email: sarafraz\_mr@yahoo.com

بیشتری شرح داده‌اند. به عنوان مثال، آیزنک (۱۹۹۲) معتقد است که هنگام پردازش محرک تهدید کننده، توجه گسترده به محیط با باریک شدن توجه دنبال می‌شود؛ اگر چه تاکنون در مورد این مدل از گوش به‌زنگی در اختلالات اضطرابی، شواهد کافی ارائه نشده است.

مدل‌های مختلف هراس اجتماعی (بک و همکاران، ۱۹۸۵؛ کلارک و ولز، ۱۹۹۵؛ ریپ و هیمرگ، ۱۹۹۷) بیان می‌کنند که در هراس اجتماعی، توجه به سمت محرک‌های تهدید کننده‌ای معطوف می‌شود که به‌طور خاص به نگرانی از ارزیابی منفی مربوط است. برای مثال، کلارک و ولز (۱۹۹۵) تأیید می‌کنند که وقتی افراد مبتلا به هراس اجتماعی می‌ترسند به وسیله دیگران مورد ارزیابی منفی قرار بگیرند، توجه‌شان را به سوی محرک‌های تهدید کننده درونی مثل واکنش‌های اضطراب سوق می‌دهند. این مسأله شانس ارزیابی دوباره موقعیت را از بین برده، با عملکرد اجتماعی در تعارض قرار می‌گیرد و باعث می‌شود شخص به این نتیجه برسد که ممکن است، همان‌گونه که خود احساس می‌کند، از نظر دیگران نیز مضطرب به نظر برسد.

بر خلاف دیدگاه گوش به‌زنگی، کلارک و ولز (۱۹۹۵) معتقدند که افراد دارای هراس اجتماعی ممکن است از توجه به موقعیت اجتماعی به اشکال مختلف (مثلاً کاهش تماس چشمی) اجتناب کنند. به نظر ریپ و هیمرگ (۱۹۹۷)، توجه می‌تواند به سوی محرک‌های تهدید کننده داخلی معطوف شود و رفتارهای حفاظتی مثل کاهش تماس چشمی، اجتناب از تعامل اجتماعی را در پی داشته باشد. از سویی، آنها تأکید می‌کنند که افراد مبتلا به هراس اجتماعی، محیط خود را به منظور یافتن هرگونه نشانه ارزیابی منفی می‌کاوند. بنابراین، این نشانه‌ها را سریعاً دریافت کرده و در بی‌توجهی به آنها دچار مشکل می‌شوند.

با توجه به تعارضات موجود در یافته‌ها و به عنوان دیدگاهی در جهت تبیین این تناقضات، فرضیه گوش به‌زنگی - اجتناب (موگ و همکاران، ۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کند که اجتناب از محرک تهدید کننده، عملکردی دفاعی است که به دنبال گوش به‌زنگی می‌آید. در یک موقعیت اجتماعی، گوش به‌زنگی - اجتناب ممکن است باعث افزایش پردازش اولیه محرک تهدید -

کننده و کاهش شانس خوگیری با محرک یا ارزیابی دوباره آن به عنوان یک محرک عادی شود. بنابراین، محرک تهدید کننده، ظرفیت برانگیختن اضطراب را حفظ می‌کند.

برای بررسی این فرضیه که هراس اجتماعی مرتبط با گوش به‌زنگی همراه با اجتناب، از محرک‌های تهدید کننده اجتماعی است، از روش‌های مختلفی استفاده شده است. چهار دسته از این روش‌ها، که در زیر توضیح داده می‌شوند، عبارت‌اند از: *آزمون استروپ هیجانی* (ماتیوس و مک لئود، ۱۹۸۵؛ تقوی، ۲۰۰۳)، *دالگلیش*، *مرادی، نشاط دوست و یول*، *آزمون پروب دات (مک لئود، متیوس و تاتا*، ۱۹۸۶؛ تقوی، *مرادی، نشاط دوست، یول و دالگلیش*، ۲۰۰۰)، *آزمون گزینش محرک (رینک*، *بیکر*، *کلرملن* و *روت*، ۲۰۰۳) و استفاده از ثبت حرکات چشم (*هورلی*، *ویلیامز، گونسالوز* و *گوردون*، ۲۰۰۳). در ادامه، این روش‌ها و پژوهش‌های مربوط به آنها ارائه می‌شوند.

#### ۱) آزمون استروپ هیجانی

شایع‌ترین آزمون استفاده شده در تحقیقات گوش به‌زنگی - اجتناب در اضطراب اجتماعی، *آزمون استروپ هیجانی* است (اسماعیلی، تقوی و طلعتیان آزاد، ۱۳۸۱). در این آزمون، شرکت کنندگان باید رنگ کلمه هیجانی و غیرهیجانی نوشته شده با رنگ‌های مختلف را بگویند. میزان سوگیری توجه به وسیله زمان صرف شده بیشتر برای نامیدن رنگ کلمات تهدید کننده (هیجانی) نسبت به کلمات خنثی (غیرهیجانی) مشخص می‌شود. فرض این است که توجه به معنای کلمه باعث تأخیر در نام بردن رنگ آن می‌شود. با وجود این معلوم نیست تفاوت زمان مشاهده شده واقعاً به علت توجه انتخابی است یا مداخله عواملی نظیر عوامل زیر:

۱- کلمات تهدید کننده ممکن است باعث واکنش هیجانی مثل ترس شود که هرگونه واکنش را بازداری و زمان آن را

1-DalGLISH	2- Yule
3- Tata	4- Rink
5- Beeker	6- Kellermann
7- Roth	8- Horley
9- Gonsalves	10- Gordon

دسته از محرک‌ها اندازه می‌گیرد. دوم، سوگیری توجه از طریق شاخص سرعت پاسخ‌دهی به نقطه نورانی ثبت می‌شود و بنابراین سایر عواملی که ممکن است زمان پاسخ‌دهی را آهسته کنند (مثل بیش مشغله ذهنی) در تفسیر نتایج لحاظ نمی‌شود. سوم، این شیوه می‌تواند هم توجه انتخابی به سوی محرک تهدیدکننده (گوش-به‌زنگی) و هم دوری از توجه به محرک تهدیدکننده (اجتناب) را اندازه‌گیری کند.

علی‌رغم روش جذاب پروب دات، تعدادی از مطالعات در یافتن شواهد روشنی از توجه انتخابی به کلمات تهدیدکننده در هراس اجتماعی توفیق نیافتند (امیر، الیاس، کلامپ<sup>۶</sup> و پرزورسکی<sup>۷</sup>، پرزورسکی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳؛ آسماندسون<sup>۸</sup> و استین<sup>۹</sup>، ۱۹۹۴؛ هارنشین<sup>۱۰</sup> و سگو<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۷؛ مانسل<sup>۱۲</sup>، الرز<sup>۱۳</sup>، کلرک<sup>۱۴</sup> و چن<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۲).

#### ۲-۲- پروب دات با استفاده از تصویر چهره به عنوان محرک

در کنار یافته‌های متفاوت، سوگیری توجه با استفاده از کلمات ممکن است محدودیت‌هایی از نظر اعتبار داشته باشد. در موقعیت‌های اجتماعی واقعی، محرک‌های تهدیدکننده شامل واکنش‌های چهره‌ای و جملات و اظهارنظرهای دیگران می‌باشد. بنابراین، تعدادی از پژوهش‌ها توجه انتخابی در آزمون پروب-دات را با استفاده از تصاویر چهره‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. برادلی و همکاران (۱۹۹۷)، اساساً ارتباطی بین اندازه‌های هراس اجتماعی، ترس از ارزیابی منفی و توجه به سوی چهره‌های تهدیدکننده و خنثی نیافتند. اگرچه این محققان در مطالعه بعدی (موگ و برادلی، ۲۰۰۲) دریافتند که افراد دچار هراس اجتماعی شدید، به چهره‌های تهدیدکننده که به فاصله کوتاهی به آنها نشان داده شد، بیشتر توجه کردند.

به طور خلاصه، نتایج مطالعاتی که از حالات هیجانی چهره به عنوان محرک پروب دات استفاده کرده‌اند، بهتر از مطالعاتی

طولانی‌تر می‌کند (کلویتری<sup>۱</sup>، هیمبرگ، هولت<sup>۲</sup> و لیوویتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲).

۲- استروپ هیجانی ممکن است اجتناب شناختی در پی داشته باشد که تأخیر در نامیدن رنگ در آن، بر اثر تلاش شخص برای سرکوب معنی تهدیدکننده کلمه می‌باشد (رویتز<sup>۴</sup> و بروسچوت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴).

۳- اثر کندکننده استروپ هیجانی ممکن است ناشی از مشغولیت ذهنی با موضوعات مرتبط با کلمه هیجانی باشد (ولز و متیوس، ۱۹۹۴).

بنابراین، اگرچه مطالعات منتشر شده اغلب پیشنهاد می‌کنند که اثر تداخل هیجانی استروپ بازنمایی گوش‌به‌زنگی است، اما این اثر ممکن است نتیجه دامنه‌ای از فرآیندهای شناختی باشد و نه گوش‌به‌زنگی. از این رو، یافته‌های به دست آمده از استروپ باید با احتیاط تفسیر شوند.

#### ۲ آزمون پروب دات

##### ۲-۱- پروب دات با استفاده از کلمات به عنوان محرک

پروب دات بسیاری از محدودیت‌های استروپ هیجانی را ندارد. در این تکلیف، ابتدا شرکت‌کنندگان به محرک ثابت وسط صفحه رایانه نگاه می‌کنند. بعد از حدود یک ثانیه، این محرک حذف شده و به جای آن دو کلمه، یکی در بالا و دیگری در پایین، قرار می‌گیرد (به عنوان مثال، یک کلمه تهدیدکننده و یک کلمه خنثی). پس از تأخیر کوتاهی، این دو کلمه حذف و روی صفحه یک نقطه نورانی ظاهر می‌شود که یا در محل کلمه خنثی قرار دارد یا در محل کلمه تهدیدکننده. در این تکلیف هدف این است که آزمودنی به محض مشاهده نقطه نورانی، یک دکمه را فشار دهد. اگر آزمودنی به محض ظهور نقطه نورانی در محل کلمه تهدیدکننده، کلید را فشار دهد، میزان توجه بیشتر او به محرک تهدیدکننده به‌شمار می‌رود و برعکس (مک‌لثود و همکاران، ۱۹۸۶). آزمون پروب دات نسبت به استروپ هیجانی مزایایی دارد. اول این که از هر دو دسته محرک (خنثی و تهدیدکننده) یک نمونه به صورت همزمان نمایش داده می‌شود، بنابر این فرض این است که سوگیری، توجه واقعی را به یک

1- Cloitre  
3- Liebowitz  
5- Brosschott  
7- Przeworsky  
9- Stein  
11- Segui  
13- Ehlers  
15- Chen

2- Holt  
4- Ruitter  
6- Klumpp  
8- Asmundson  
10- Horenstein  
12- Mansell  
14- Clork

از تصویر اشیا به چهره‌های خنثی خیره می‌شوند. بنابراین، هراس اجتماعی با گوش‌به‌زنگی به چهره‌های انسانی همراه است، ولی گوش‌به‌زنگی به چهره‌های مثبت و منفی در دو گروه تفاوتی نمی‌کند.

این نتایج پیچیدگی شواهد مربوط به گوش‌به‌زنگی و اجتناب از تهدید اجتماعی در هراس اجتماعی و نیز نیاز به بررسی بیشتر در این زمینه را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که هراس اجتماعی باعث اجتناب عمومی از چهره‌های خنثی و گوش‌به‌زنگی کوتاه به چهره‌های هیجانی می‌شود و به دنبال آن اجتناب طولانی از چهره‌های هیجانی می‌آید.

با توجه به آنچه ذکر شد، پروب دات با استفاده از تصاویر چهره واقعی، یکی از روش‌های پیشرفته پژوهش در زمینه سوگیری توجه است که همزمان دو محرک شبیه به دنیای واقعی را در معرض دید آزمودنی قرار می‌دهد. مبنای سنجش سوگیری توجه نیز زمان واکنش است که با رایانه اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به این که تاکنون آزمون پروب دات با استفاده از تصاویر هیجانی افراد ایرانی (که بیشترین شباهت را به محیط واقعی آزمودنی‌های ایرانی دارند) انجام نشده است، هدف از پژوهش حاضر بررسی ادعاهای دیدگاه‌های مختلف در زمینه چگونگی وجود یا نبود سوگیری توجه در نوجوانان مبتلا به اختلال هراس اجتماعی می‌باشد.

## روش

جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان کلاس سوم دبیرستان شهرستان لار بودند. با استفاده از مقیاس اضطراب اجتماعی، از بین ۲۵۰ نفر از این دانش‌آموزان که به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شده بودند، ۳۰ نفر با اضطراب اجتماعی زیاد و ۳۰ نفر با اضطراب اجتماعی کم انتخاب شدند و سپس بر اساس مصاحبه بالینی، هشت نفر از افراد مبتلا به هراس اجتماعی زیاد در گروه آزمایش جای گرفتند. از میان افراد دارای اضطراب اجتماعی کم نیز ۱۲ نفر از نظر سن، جنسیت و سطح تحصیلات

هستند که از کلمات بهره برده‌اند. بعضی از مطالعات، گوش‌به‌زنگی را در افراد مبتلا به هراس اجتماعی نشان داده‌اند؛ بدین شکل که تصاویر در مدت زمان کوتاه‌تری ارائه شدند. مطالعاتی که اجتناب را در افراد مبتلا به اضطراب اجتنابی گزارش داده‌اند، مطالعاتی هستند که طول مدت ارائه محرک‌ها در آنها بیشتر است یا چهره هیجانی با یک محرک غیراجتماعی (مثل یک شیء) همراه بوده یا از تهدید اجتماعی در زندگی واقعی استفاده کرده‌اند. این یافته‌ها از فرضیه گوش‌به‌زنگی - اجتناب (موگ و همکاران، ۱۹۹۷) به‌طور اولیه حمایت می‌کنند.

### ۳) ردیابی (انتخاب محرک)

ردیابی راه مستقیم‌تر برای ارزیابی گوش‌به‌زنگی است، چرا که به‌طور مستقیم کشف و تشخیص محرک تهدیدکننده را ارزیابی می‌کند. یک مورد عمومی آن تکلیف ردیابی است. در این روش، محرک هدف در زمینه محرک‌های دیگر ارائه می‌شود. توجه انتخابی به تهدید به وسیله مدت زمان کوتاه‌تر انتخاب محرک هدف (وقتی که محرک هدف، تهدیدکننده است) نسبت به زمانی که این محرک خنثی است، اندازه‌گیری می‌شود. اجتناب از محرک تهدیدکننده نیز به وسیله مدت زمان بیشتر انتخاب محرک تهدیدکننده (نسبت به محرک خنثی) در بین محرک‌های زمینه سنجیده می‌شود. تحقیقاتی که با این روش انجام شده‌اند، نتایج متضادی داشته‌اند.

### ۴) ثبت حرکات چشم

یک روش مستقیم‌تر برای ارزیابی توجه انتخابی، استفاده از ثبت حرکات چشم و موقعیت خیره شدن چشم است. در این روش، نیازی به عکس‌العمل آشکار فرد نیست و یک روش بسیار طبیعی برای ارزیابی توجه به‌شمار می‌رود. توجه انتخابی به وسیله حرکت ناگهانی چشم به سمت محرک و طول زمان تثبیت چشم روی محرک‌ها نشان داده می‌شود. گارنر<sup>۱</sup>، موگ و برادلی (۲۰۰۳) در آزمایشی با روش فوق از جفت چهره‌های خنثی-شاد، خنثی-خشمگین و خنثی-تصویر اشیا در موقعیت غیرتهدیدکننده استفاده کردند. نتایج نشان داد که افراد دارای هراس اجتماعی زیاد، در مقایسه با افراد دارای هراس اجتماعی کم، بیشتر

1- Garner

در پژوهش‌های انجام‌شده قبلی روایی پرسشنامه اجتناب و پریشانی اجتماعی از روش‌های روایی ملاکی<sup>۱</sup> بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۸ (واتسون و فرند، ۱۹۶۹ و هرمزی‌نژاد، ۱۳۸۰؛ هر دو به نقل از نیسی و همکاران، ۱۳۸۴)؛ و از روش همبسته کردن نمره‌های کل با نمره حاصل از یک سؤال کلی برابر ۰/۵۱ (نیسی و همکاران، ۱۳۸۴) گزارش شده است.

## ۲- آزمون پروب دات با استفاده از تصاویر هیجانی واقعی

آزمون پروب دات یک تکلیف رایانه‌ای است که به سفارش مؤلف اول و به وسیله یک برنامه‌نویس رایانه، به منظور سنجش دو متغیر گوش‌به‌زنگی و اجتناب در مواجهه با تصاویر واقعی چهره‌های نشان‌دهنده هیجان مثبت، منفی و خنثی و تصاویر اشیا ساخته شد. این آزمون را اولین بار مک‌لئود و همکاران (۱۹۸۶) با استفاده از لغات ساختند و مؤلف اول آن را با استفاده از چهره‌های هیجانی افراد ایرانی بازسازی کرد.

برای تهیه محرک‌های لازم برای ساخت این آزمون (یعنی تصاویر چهره‌های خشمگین، شاد، خنثی و تصاویر اشیا) ابتدا از میان گروه‌های ثناتری و مؤسسات آموزش بازیگری، تعداد زیادی بازیگر انتخاب و از بازیگران که داوطلب خواسته شد که حالات چهره‌های شاد، خشمگین و خنثی را بازی کنند. سپس از حالت چهره آنها عکس گرفتند. در مجموع، از حالات چهره ۲۶ بازیگر و از هر یک بیش از سه عکس تهیه شد که با دقت و گاهی نورپردازی یا تکرار عکس‌ها سعی شد حالت چهره، همان حالت مورد نظر باشد. سپس، این تصاویر به کمک افرادی که در رشته روان‌شناسی و سایر رشته‌ها تحصیل می‌کردند، مورد بررسی قرار گرفت و اگر حتی یک حالت آنها مشکل داشت یا به حالت مورد نظر شباهت کامل نداشت، آن فرد حذف می‌شد. سپس با استفاده از برنامه رایانه‌ای فتوشاپ، زمینه، رنگ، درخشندگی، رنگ لباس و حالت موهای صاحبان تصاویر یکسان شد تا خللی در آزمون ایجاد نشود. پس از آن، این عکس‌ها به تعدادی از افراد جامعه‌ای که پژوهش در آنها انجام می‌شد، نشان داده شد تا حالت چهره عکس‌ها را بررسی کنند. هر کدام از تصاویر که به

با گروه آزمایش هم‌تا شدند و گروه شاهد را تشکیل دادند. سپس آزمون پروب دات در هر دو گروه اجرا شد.

## ابزار پژوهش

### ۱- مقیاس اضطراب اجتماعی

این مقیاس توسط واتسون و سرند در سال ۱۹۶۹ به منظور تشخیص و ارزیابی اضطراب اجتماعی ساخته شد (بهارلویی، ۱۳۷۷)؛ به نقل از نیسی، شهنی ییلاق و فراشبندی، (۱۳۸۴). این پرسشنامه ۵۸ ماده‌ای دارای دو خرده‌مقیاس است.

خرده‌مقیاس اجتناب و پریشانی اجتماعی: این خرده‌مقیاس خود گزارشی، و مداد و کاغذی شامل ۲۸ ماده است. پاسخ‌ها بر پایه درست و نادرست نمره ۱ و ۰ می‌گیرند. در مقیاس مذکور ۱۵ ماده پاسخ مثبت و ۱۳ ماده پاسخ منفی دارد. نمره بالاتر نشانه اجتناب و پریشانی اجتماعی بیشتر است.

خرده‌مقیاس ترس از ارزیابی منفی: این مقیاس نیز خود گزارشی و دارای ۳۰ ماده است که بر پایه «درست» و «نادرست» به صورت ۱ و ۰ نمره‌گذاری می‌شود. در مقیاس مذکور ۱۷ ماده پاسخ مثبت و ۱۳ ماده پاسخ منفی دارد و نمره بالاتر در آن نشانه ترس از ارزیابی منفی بیشتر است.

پرسشنامه‌های اجتناب و پریشانی اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی، در چند پژوهش مورد استفاده قرار گرفته و ضرایب پایایی آنها با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> و تنصیف محاسبه شده است. ضرایب پایایی برای اجتناب و پریشانی اجتماعی بین ۰/۶۰ و ۰/۸۳ گزارش شده است (واتسون و فرند، ۱۹۶۹ و هرمزی‌نژاد، ۱۳۸۰؛ هر دو به نقل از نیسی و همکاران، ۱۳۸۴). همچنین، نیسی و همکاران (۱۳۸۴) ضریب پایایی اجتناب و پریشانی اجتماعی را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و با روش تنصیف ۰/۶۷ گزارش کرده‌اند. همچنین، ضرایب پایایی ترس از ارزیابی منفی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ (مهرابی‌زاده هنرمند، نجاریان و بهارلو، ۱۳۷۸)؛ به نقل از مهرابی‌زاده هنرمند، بساک‌نژاد، شهنی ییلاق و شکرکن، (۱۳۸۴) و ۰/۸۴ (مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۸۴)، و با روش تنصیف ۰/۸۸ (هرمزی‌نژاد، ۱۳۸۰)؛ نقل از مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران، (۱۳۸۴) محاسبه شده است.

زنگی به هر کدام از دسته تصاویر یا اجتناب از آنها می‌باشد، بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

زمان واکنش هنگام هما‌یندی نقطه با چهره - زمان واکنش هنگام ناهما‌یندی نقطه با چهره

نمره مثبت، اجتناب از چهره هیجانی یا شیء و نمره منفی، گوش‌به‌زنگی به چهره هیجانی یا شیء را نشان می‌دهد (مک‌لئود و متیوز، ۱۹۸۸؛ موگ و همکاران، ۱۹۹۴؛ هر دو به نقل از شفیع، ۱۳۸۳).

این برنامه طوری طراحی شده که از هر جفت تصویر شاد-خنثی، خشمگین-خنثی و شیء-خنثی ۱۰ تصویر تکرار و در مجموع دو برابر کل این تعداد، یعنی ۶۰ تصویر به صورت خنثی-خنثی ارائه می‌شود. این تعداد به صورت تصادفی در کل تصاویر پخش شده است تا آزمودنی به هدف آزمایش پی نبرد. ترتیب ارائه جفت تصاویر به صورت تصادفی تغییر می‌کند و با هر بار اجرای برنامه به طور خودکار بر می‌خورد. تصاویر خنثی نیز به طور مساوی، اما تصادفی در نیمی از کوشش‌ها در سمت چپ و در نیمی دیگر در سمت راست ارائه می‌شوند. ترتیب ظاهر شدن نقطه نورانی در سمت چپ و راست نیز به همین شکل است. آزمودنی در مجموع ۹۰ جفت تصویر را مشاهده می‌کند که به محض مشاهده نقطه نورانی پشت آن باید واکنش نشان دهد. پشت تصاویر خنثی-خنثی نقطه نورانی ظاهر نمی‌شود تا تمایل آزمودنی به فشار دادن دکمه بدون توجه به دیدن یا ندیدن نقطه نورانی کنترل شود. بعد از حذف جفت تصویر خنثی-خنثی، وقتی آزمودنی دکمه را فشار می‌دهد، عدد ثبت شده در برنامه SPSS زیر متغیر مربوط (که همان جفت تصاویر خنثی-خنثی است) منفی می‌شود. آزمونگر بعداً چنین کوشش‌هایی را از محاسبات حذف می‌کند. در میان ارائه این ۹۰ جفت تصویر، یعنی بعد از ارائه ۴۵ تصویر، برنامه به صورت خودکار متوقف می‌شود. پس از استراحت و اعلام آمادگی آزمودنی برای ادامه آزمون، آزمونگر برنامه را دوباره راه‌اندازی می‌کند. به منظور آموزش شیوه کار، قبل از شروع آزمون، دستورکار روی صفحه ظاهر می‌شود و برای اطمینان از درک درست آن، آزمودنی آن را چند بار اجرا می‌کند.

عقیده آزمودنی‌ها حالت مورد نظر را نداشت، حذف می‌شد. در مجموع، ۱۰ تصویر و از هر کدام سه حالت شاد، خشمگین و خنثی باقی ماند. از تصاویر اشیا (مثل کمد، میز نهارخوری و...) به عنوان تصاویر خنثی استفاده شد. سپس با همکاری پژوهشگر و یک متخصص رایانه، برنامه رایانه‌ای آزمون پرورب دات تهیه شد. روش کار برنامه رایانه‌ای به این صورت است که پس از ارتباط اولیه و ظاهر شدن دستورکار روی نمایشگر رایانه، ابتدا برای متمرکز کردن نگاه آزمودنی به مرکز نمایشگر یک علامت + در وسط صفحه ظاهر می‌شود. این علامت پس از مدت کوتاهی از بین رفته و آن‌گاه دو محرک (دو تصویر) یکی در سمت راست و یکی در سمت چپ نمایشگر ظاهر می‌شود. پس از مدت کوتاهی هر دو محرک با هم حذف می‌شوند. در پژوهش حاضر، طول مدت حضور دو محرک ۲/۵ ثانیه است. دلیل انتخاب ۲/۵ ثانیه این بود که بر اساس پیشینه پژوهش (که در قسمت مقدمه ذکر شد) به نظر می‌رسد افراد مبتلا به هراس اجتماعی هنگام روبه‌رو شدن با موقعیت اجتماعی، نسبت به نشانه‌های ارزیابی گوش‌به‌زنگ باشند و پس از تشخیص این نشانه‌ها از آن اجتناب کنند. بر اساس فرضیه گوش‌به‌زنگی-اجتناب (موگ و همکاران، ۱۹۹۷)، اجتناب از محرک تهدیدکننده به عنوان یک عملکرد دفاعی به دنبال گوش‌به‌زنگی می‌آید. بنابر این، در ارائه کوتاه مدت محرک (یعنی ۰/۵ ثانیه)، گوش‌به‌زنگی، و در زمان‌های طولانی‌تر (یعنی ۲/۵ ثانیه و بیشتر) احتمالاً اجتناب مشاهده می‌شود که این مسأله در پژوهش حاضر با انتخاب زمان ۲/۵ ثانیه مورد بررسی قرار گرفت. بعد از حذف دو محرک، محل قرار گرفتن یکی از تصاویر سمت چپ یا راست یک نقطه روشن ظاهر و از آزمودنی خواسته می‌شود به محض دیدن آن دکمه ای را فشار دهد، آن‌گاه رایانه زمان واکنش شخص را پس از دیدن نقطه روشن ثبت می‌کند. هر چه زمان واکنش شخص به نقطه روشن پشت محرک خاص (چهره با هیجان مثبت، منفی، خنثی یا اشیا)، کمتر باشد، آزمودنی نسبت به آن محرک گوش‌به‌زنگی بیشتر، و هر چه زمان واکنش شخص طولانی‌تر باشد، آزمودنی از آن نوع محرک خاص، بیشتر اجتناب می‌کند. آن‌گاه متغیر سوگیری توجه آزمودنی، که دارای دو وجه گوش‌به-

## یافته‌ها

ادامه، نتایج این تعامل در دو گروه شرکت کننده در پژوهش به صورت جداگانه می‌آید.

الف - بررسی تعامل حالت چهره  $\times$  همآیندی در گروه

## دچار هراس اجتماعی

جدول ۳ نتایج تحلیل‌ها و معناداری تأثیرات تعامل حالت چهره  $\times$  همآیندی را در گروه هراس اجتماعی نشان می‌دهد. با توجه به نتایج آزمون کرویت موخلی ( $W$  موخلی =  $0/875$ ؛ مجذور کای تقریبی =  $0/771$ ؛ درجه آزادی =  $2$  و سطح معناداری =  $0/68$ )، فرض همسانی واریانس‌ها برقرار بوده و می‌توان آزمون تحلیل واریانس ذکر شده را با فرض همسانی واریانس‌ها انجام داد.

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، تعامل حالت چهره  $\times$  همآیندی در گروه هراس اجتماعی در سطح خطای کمتر از  $0/05$  معنادار است. در گروه بهنجار هیچ کدام از آثار اصلی و تعاملی حالت چهره  $\times$  همآیندی معنادار نیست.

ب- طرح تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر در تعامل

هراس اجتماعی  $\times$  سوگیری توجه

برای بررسی دقیق‌تر سوگیری توجه، تحلیل‌ها با استفاده از نمره سوگیری توجه آزمودنی‌ها بررسی شدند. به این منظور از طرح تحلیل واریانس دو عاملی ( $2 \times 3$ ) با اندازه‌های مکرر استفاده شد که در آن هراس اجتماعی با دو سطح (افراد دارای هراس اجتماعی و افراد بهنجار) عامل بیرونی و سوگیری توجه با سه سطح (سوگیری شاد، خشمگین و شیء) عامل درونی آزمودنی می‌باشد. نمره سوگیری توجه برای هر یک از چهره‌ها بر اساس فرمول زیر محاسبه شد:

زمان واکنش آزمودنی در حالت ناهمآیندی نقطه با چهره-

زمان واکنش آزمودنی در حالت همآیندی نقطه با چهره

نمره مثبت و منفی به ترتیب نشان‌دهنده اجتناب از چهره هیجانی یا شیء و گوش‌به‌زنگی نسبت به آنها می‌باشد (مک‌لثود و متیوز، ۱۹۸۸؛ مگک و دیگران، ۱۹۹۴؛ هر دو به نقل از شفیع، ۱۳۸۳). میانگین و انحراف معیار نمره سوگیری توجه افراد دو گروه (با توجه به این فرمول) برای سه حالت چهره در جدول ۴ آمده است.

در ابتدای این پژوهش، با استفاده از طرح تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر (طرح  $2 \times 2 \times 3$ )، زمان واکنش افراد دو گروه به رویارویی با محرک‌های هیجانی شاد، خشمگین، شیء و هنگام همآیندی و ناهمآیندی نقطه با چهره مورد نظر بررسی می‌شود. بنابر این در طرح مذکور متغیرهای حالت هیجانی چهره (شاد، خشمگین و تصویر شیء) و همآیندی (نقطه همآیند با چهره و ناهمآیند با چهره) به‌عنوان عوامل درونی آزمودنی و هراس اجتماعی (افراد دارای هراس اجتماعی و بهنجار) به‌عنوان عامل بیرونی در نظر گرفته شده‌اند. نتایج در جدول ۱ آمده است.

جدول ۲ نتایج تحلیل‌ها و معناداری آثار اصلی و تعامل طرح  $2 \times 2 \times 3$  فوق را نشان می‌دهد. نتایج آزمون کرویت موخلی (که همسانی واریانس‌ها را برای عوامل دارای بیش از دو سطح آزمون می‌کند)، نشان داد که این آزمون برای هیچ کدام از آثار ذکر شده معنادار نیست ( $W$  موخلی =  $0/945$ ؛ مجذور کای تقریبی =  $0/9$ ؛ درجه آزادی =  $2$  و سطح معناداری =  $0/638$ )، بنابراین فرض همسانی واریانس‌ها برقرار بوده و آزمون تحلیل واریانس ذکر شده با فرض همسانی واریانس‌ها اجرا شدنی است. نتایج تحلیل واریانس طرح  $2 \times 2 \times 3$  مذکور با فرض فوق در جدول ۲ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، آثار اصلی حالت چهره و هراس اجتماعی در سطح خطای کمتر از  $0/05$  و آثار تعاملی حالت چهره  $\times$  همآیندی و هراس اجتماعی  $\times$  همآیندی  $\times$  حالت چهره به ترتیب در سطح خطای کمتر از  $0/05$  و  $0/01$  معنادار می‌باشند. معناداری تعامل هراس اجتماعی  $\times$  همآیندی  $\times$  حالت چهره فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. نمودار خطی ۱ این تعامل را به صورت تصویری نمایش می‌دهد.

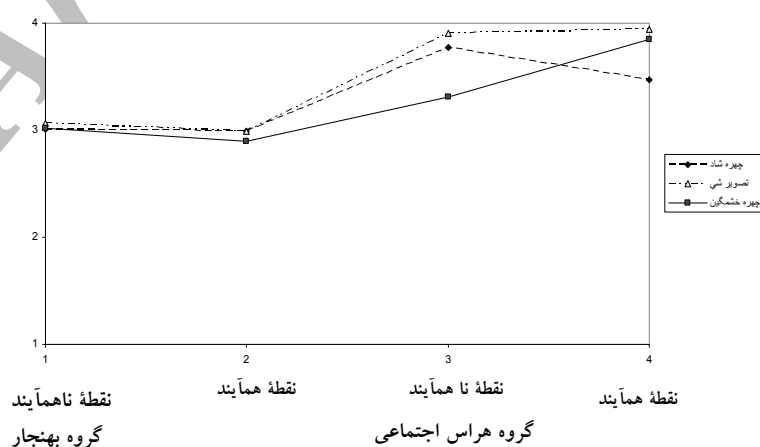
برای بررسی دقیق‌تر و پی‌گیری چگونگی معناداری تعامل ذکر شده، تعامل همآیندی  $\times$  حالت چهره در دو گروه (هراس اجتماعی و بهنجار) به طور جداگانه بررسی گردید. به این منظور از یک طرح عاملی  $3 \times 2$  استفاده شد که در آن همآیندی (نقطه همآیند با چهره و ناهمآیند با چهره) و حالت چهره (شاد، خشمگین و شیء) هر دو عوامل درونی آزمودنی می‌باشند. در

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار زمان واکنش آزمودنی‌ها در دو حالت هم‌آیندی و سه حالت چهره

انحراف معیار	میانگین زمان واکنش (ثانیه)	حالت چهره	هم‌آیندی	گروه‌ها
۰/۵۴	۳/۴۷	شاد	هم‌آیند	دارای هراس اجتماعی
۰/۹۷	۳/۸۵	خشمگین		
۱/۰۶	۳/۹۴	شیتی		
۰/۵۲	۳/۷۷	شاد	ناهم‌آیند	
۰/۵۱	۳/۳۱	خشمگین		
۰/۷۵	۳/۹۲	شیتی		
۰/۷۵	۲/۹۹	شاد	هم‌آیند	بهنجار
۰/۵۷	۲/۹۰	خشمگین		
۰/۵۴	۲/۹۹	شیتی		
۰/۵۷	۳/۰۰۷	شاد	ناهم‌آیند	
۰/۶۱	۳/۰۲	خشمگین		
۰/۵۳	۳/۰۷	شیتی		

جدول ۲- خلاصه نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر برای سه عامل هراس اجتماعی (بین گروهی) و هم‌آیندی × حالت چهره (درون گروهی)

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
هراس اجتماعی	۱۳/۵۶۳	۱	۱۳/۵۶۳	۶/۴۹	۰/۰۲
خطا	۶۵/۹۴۱	۳۳	۲/۰۸۹	-	-
حالت چهره	۰/۱۱۲۸	۲	۰/۵۶۴	۳/۷۱	۰/۰۳
حالت چهره × هراس اجتماعی	۰/۶۳۷	۲	۰/۳۱۸	۲/۰۹	NS
خطا	۰/۰۲۷	۶	۰/۱۵۲	-	-
هم‌آیندی	۰/۰۶۷	۱	۰/۰۶۷	۰/۴۵۶	NS
هم‌آیندی × هراس اجتماعی	۰/۳۹۱	۱	۰/۳۹۱	۲/۶۴	NS
خطا	۴/۸۵۹	۳۳	۰/۱۴۷	-	-
حالت چهره × هم‌آیندی	۰/۹۱	۲	۰/۴۵۵	۳/۹۲	۰/۰۲
هراس اجتماعی × هم‌آیندی × حالت چهره	۱/۳۵	۲	۰/۶۸۰	۵/۸۶	۰/۰۰۶
خطا	۷/۶۵۲	۶۶	۰/۱۱۶	-	-



شکل ۱- میانگین زمان واکنش در تعامل هراس اجتماعی × هم‌آیندی × حالت چهره



جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل واریانس حالت چهره × همآیندی در گروه هراس اجتماعی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F میزان	سطح معناداری
حالت	۱/۳۶	۲	۰/۶۸۲	۱/۹۹۹	NS
خطا (حالت)	۱۱/۵۹۴	۳۴	۰/۳۴۱	-	-
همآیندی	۰/۳۱	۱	۰/۳۱	۱/۰۴۲	NS
خطا (همآیندی)	۵/۰۴۹	۱۷	۰/۲۹۷	-	-
حالت × همآیندی	۱/۷۷۶	۲	۰/۸۸۸	۳/۹۴۴	۰/۰۴۸
خطا (حالت × همآیندی)	۷/۶۵	۳۴	۰/۲۲۵	-	-

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار نمره سوگیری توجه افراد دو گروه برای سه حالت چهره

گروه	حالت چهره	میانگین	انحراف معیار
هراس اجتماعی	شاد	-۰/۲۹۵	۰/۱۷۷
	خشمگین	۰/۷۰۶	۰/۸۸۳
	شبی	۰/۱۰۴	۰/۸۲۷
بهنجار	شاد	-۰/۰۱۲	۰/۴۱۹
	خشمگین	-۰/۱۱۶	۰/۴۰۰
	شبی	-۰/۰۸۴	۰/۱۴۵

جدول ۵- خلاصه نتایج تحلیل واریانس چند عاملی با اندازه های مکرر برای هراس اجتماعی × سوگیری توجه

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
هراس اجتماعی	۰/۷۸۱	۱	۰/۷۸۱	۲/۶۴	NS
خطا (هراس اجتماعی)	۵/۰۱	۱۷	۰/۲۹۵	-	-
سوگیری توجه	۱/۸۱۹	۲	۰/۹۱۰	۳/۹۲۴	۰/۰۲
هراس اجتماعی × سوگیری توجه	۲/۷۱۸	۲	۱/۳۵۹	۵/۸۶۱	۰/۰۰۶
خطا	۱۵/۳۰۷	۶۶	۰/۲۳۲	-	-

به منظور بررسی بیشتر آثار معنادار مشاهده شده، تفاوت نمره های سوگیری توجه شاد، خشمگین و شبی در دو گروه هراس اجتماعی و بهنجار به طور جداگانه بررسی شد. نتایج تکرار سنجش تک عاملی جهت مقایسه سوگیری توجه شاد، خشمگین و شبی در گروه هراس اجتماعی و گروه بهنجار نشان داد که تفاوت بین میانگین سوگیری های توجه شاد، خشمگین و شبی فقط در گروه هراس اجتماعی معنادار می باشد ( $p < 0/05$ ,  $F = 3/944$ ,  $df = 2$ ). برای بررسی دقیق تر این نکته که این تفاوت معنادار بین کدام یک از سوگیری هاست، مقایسه های تعاقبی با روش LSD انجام شد که

جدول ۵ نشان دهنده نتایج تحلیل حاصل این طرح  $2 \times 3$  می باشد. نتیجه آزمون کرویت موخلی برای این تعامل معنادار نیست ( $W$  موخلی =  $0/945$ ؛ مجذور کای تقریبی =  $0/9$ ؛ درجه آزادی = ۲ و سطح معناداری:  $0/638$ )، بنابر این نتایج تحلیل واریانس هراس اجتماعی × سوگیری توجه با فرض همسانی واریانس ها آمده است. با توجه به جدول ۵، اثر اصلی سوگیری توجه در سطح خطای کمتر از  $0/05$  و اثر تعاملی سوگیری × هراس اجتماعی در سطح خطای کمتر از  $0/01$  معنادار و در جهت تأیید فرضیه پژوهش می باشد.

نتیجه نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین میانگین سوگیری توجه شاد و خشمگین ( $p < 0.05$ ) است. میانگین سوگیری توجه شاد و خشمگین در گروه هراس اجتماعی (جدول ۱۸) نشان‌دهنده اجتناب این گروه از چهره‌های خشمگین می‌باشد.

## بحث

در مجموع، یافته‌های دو بخش تعامل حالت چهره-همآیندی-هراس اجتماعی و سوگیری توجه-هراس اجتماعی نشان‌دهنده اجتناب افراد مبتلا به هراس اجتماعی از حالت چهره خشمگین است. در مورد تعامل همآیندی-حالت چهره باید گفت که منظور از همآیندی و ناهمآیندی این است که همزمان با ظاهر شدن دو تصویر و سپس حذف آنها، نقطه نورانی پشت کدام تصویر ظاهر می‌شود. اگر نقطه نورانی پشت تصویر خشی ظاهر شود، به معنی حالت ناهمآیندی نقطه با تصویر اصلی و اگر نقطه پشت تصویر اصلی بیاید، به معنی حالت همآیندی نقطه با تصویر اصلی است. اگر در حالت همآیندی طول مدت واکنش بیشتر باشد، نشان‌دهنده توجه کمتر و یا در واقع اجتناب از تصویر اصلی است و در صورتی که در حالت مذکور زمان واکنش کمتر باشد، نشان‌دهنده گوش‌به‌زنگی است. در نتیجه وقتی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعامل حالت چهره-همآیندی-هراس اجتماعی معنادار است، یعنی توجه دو گروه مبتلا به هراس اجتماعی و عادی به حالات مختلف چهره، در دو حالت همآیندی و ناهمآیندی متفاوت است که این تفاوت با بررسی بیشتر و محاسبه نمره سوگیری توجه تحلیل شد. این تفاوت در جدول تعامل سوگیری توجه-هراس اجتماعی در قسمت یافته‌ها آمده است و نشان از اجتناب افراد مبتلا به هراس اجتماعی از حالت چهره خشمگین دارد.

این یافته‌ها با پژوهش گارنر و همکاران (۲۰۰۳) و هورلی و همکاران (۲۰۰۳) که از روش ثبت حرکات چشم استفاده کردند، همخوان است. این پژوهشگران گزارش کردند که کودکان دارای اضطراب اجتماعی زیاد از چهره‌های هیجانی منفی اجتناب می‌کنند. از طرف دیگر، پژوهش‌های آسماندسون و استین

(۱۹۹۴) و لچکا<sup>۱</sup> و ریپ<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) و پرون<sup>۳</sup> و مانسل (۲۰۰۲) با استفاده از روش پروب دات و ردیابی محرک، گوش‌به‌زنگی به محرک‌های تهدیدکننده اجتماعی را در مبتلایان به هراس اجتماعی نشان داده‌اند. در مجموع، همان‌گونه که در مقدمه و روش پژوهش ذکر شد، تفاوت این پژوهش‌ها در یافتن گوش‌به‌زنگی و اجتناب، حاصل تفاوت آنها در طول مدت ارائه محرک‌هاست. پژوهش‌هایی همچون پژوهش حاضر (که در آنها محرک به مدت طولانی‌تری ارائه گردید) اجتناب از تهدید اجتماعی و پژوهش‌هایی که محرک‌ها را به مدت کوتاه‌تری ارائه داده‌اند، گوش‌به‌زنگی افراد دارای هراس اجتماعی را نشان می‌دهند که این مسأله حمایتی از نظریه گوش‌به‌زنگی-اجتناب موگ و همکاران (۱۹۹۷) می‌باشد.

فرضیه گوش‌به‌زنگی-اجتناب موگ و همکاران (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کند که به دنبال گوش‌به‌زنگی، اجتناب به‌عنوان عملکرد دفاعی ظاهر می‌شود، یعنی به محض ادراک خطر که می‌تواند ناشی از گوش‌به‌زنگی باشد، عملکرد دفاعی فعال شده و فرد از محرکی که تهدیدکننده ارزیابی شده، اجتناب می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت، سوگیری توجه در افراد مضطرب در واقع سکه‌ای است که دو رو دارد. یک روی آن گوش‌به‌زنگی است و روی دیگر آن اجتناب، و این هر دو رو به یک هدف کمک می‌کنند و آن تشخیص سریع خطر و حفاظت شخص از آن به وسیله اجتناب است؛ اما همین اجتناب موجب تداوم و بقای اختلال در این بیماران می‌شود. تلفیق اطلاعات به‌دست‌آمده از نتایج تحلیل‌های مربوط به فرضیه پژوهش حاضر، همگی حکایت از سوگیری توجه افراد دچار هراس اجتماعی (نسبت به افراد بهنجار) دارد که این سوگیری در نهایت خود را به صورت اجتناب از چهره‌های خشمگین نشان می‌دهد. همچنین این یافته در جهت تأیید مدل شناختی کلارک و ولز (۱۹۹۵) در مورد هراس اجتماعی است. در این مدل پس از ادراک خطر اجتماعی که می‌تواند به وسیله گوش‌به‌زنگی شخص نسبت به محرک‌های اجتماعی منفی باشد، فرد مبتلا به هراس اجتماعی دست به

1- Veljaca  
3- Prowne

2- Rapee

رفتارهای ایمنی می‌زند که اجتناب از محرک تهدیدکننده یکی از آنهاست. با توجه به این که گوش‌به‌زنگی در لحظات آنی پس از ظهور محرک تهدیدکننده رخ می‌دهد، با گذشت زمان کوتاهی پس از ادراک خطر اجتماعی، گوش‌به‌زنگی جای خود را به اجتناب به عنوان مکانیسم دفاعی می‌دهد. از آنجا که در پژوهش حاضر مدت زمان ارائه محرک‌ها ۲/۵ ثانیه بود، همان‌طور که انتظار می‌رفت، سوگیری توجه خود را به صورت اجتناب نشان داد. دیدگاه شناختی- رفتاری (برای مثال، کلارک و فربورن، ۱۳۸۰) حاکی از آن است که اجتناب افراد از محرک‌های اضطراب‌برانگیز، باعث می‌شود که قدرت اضطراب‌زایی این محرک‌ها پایدار بماند. بنابراین آگاهی دادن به فرد مبتلا از عملکرد نادرست قبلی و آموزش عملکرد صحیح به وی، همچنین مواجهه تدریجی فرد با محرک‌های اضطراب‌برانگیز می‌تواند باعث خاموشی اثر این محرک‌ها در ایجاد اضطراب شود.

انجام این پژوهش نیز مانند هر پژوهشی با محدودیت‌هایی همراه بود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هم‌آیندی زیاد هراس اجتماعی با اختلالات دیگر مثل افسردگی و سوء مصرف مواد (که ممکن است بر نتایج تأثیر بگذارد)، کار

انتخاب افراد را مشکل می‌کرد. همچنین حضور فردی به جز آزمونگر در هنگام انجام آزمون پروب دات، بر عملکرد افراد گروه هراس اجتماعی تأثیر داشت که البته تا آنجا که امکان داشت از این کار اجتناب شد. لزوم استفاده از رایانه برای انجام پژوهش، علاوه بر محدودیتی که برای گزینش افراد به همراه داشت، محدودیت زمانی و مکانی نیز ایجاد می‌کرد.

با توجه به مطالعات قبلی، انجام پژوهش‌های زیر توصیه می‌شود:

۱- با توجه به تأثیر مدت زمان ارائه محرک‌ها در نحوه بروز سوگیری توجه (به صورت گوش‌به‌زنگی یا اجتناب) پیشنهاد می‌شود که این پژوهش با زمان‌های متفاوت ارائه محرک (از ۵۰۰ هزارم ثانیه تا ۳ ثانیه) انجام پذیرد.

۲- همچنین برای پی بردن به اختصاصی بودن آثار مشاهده شده در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود، در پژوهشی مشابه، به مقایسه گروه‌های دچار سایر اختلالات اضطرابی (مثل اختلال اضطراب منتشر) با یکدیگر و با گروه بهنجار پرداخته شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۶/۱۴ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۲/۱۷

## منابع

- اسماعیلی، ی.، تقوی، م. ر.، و طلعتیان آزاد، ر. (۱۳۸۱). ساخت آزمون استروپ اصلاح شده برای آزمودنی‌های فارسی زبان: بررسی مقدماتی. مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین‌المللی علوم شناختی.
- شفیعی، ح. (۱۳۸۳). مقایسه سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی طبیعی و درهم ریخته در کودکان دارای اضطراب خصلتی بالا و پایین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- کلارک، دیوید، م و فربورن، کریستوفر، ج. (۱۳۸۰) دانش و روش‌های کاربردی رفتاردرمانی شناختی (ترجمه ح. کاویانی). تهران: فارس.
- نیسی، ع. ک.، شهنی بیلاق، م.، و فراشندی، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب عمومی، حمایت اجتماعی ادراک شده و سرسختی روان‌شناختی با اضطراب اجتماعی دختران دانش آموز پایه اول دبیرستان‌های شهرستان آبادان. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۲(۳)، ۱۵۲-۱۳۷.
- مهرابی‌زاده هنرمند، م.، بساک‌نژاد، س.، شهنی بیلاق، م.، و شکرکن، ح. (۱۳۸۴). بررسی روابط ساده و چندگانه ترس از موفقیت، عزت نفس، کمال‌گرایی و ترس از ارزیابی منفی با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۲(۳)، ۲۴-۱.

Amir, N., Elias, J., Klumpp, H., & Przeworski, A. (2003). Attentional bias to threat in social phobia: Facilitated processing of threat or difficulty disengaging attention from threat? *Behaviour Research and Therapy*, 41, 1325-1335.

Asmundson, C. J. G., & Stein, M. B. (1994). Selective processing of Ev social threat in patients with generalized social phobia: Evaluation using a dot-probe paradigm. *Journal of Anxiety Disorders*, 8, 107-117.

- Beck, A. T., Emery, G., & Greeberg, R. L. (1985). *Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective*. New York: Basic books.
- Bradley, B. P., Mogg, K., Millar, N., Bonhm-Carter, C., fergusson, E., & Jenkins, J. (1997). Attention biases for emotional faces. *Cognition and Emotion, 11*, 20-42.
- Clark, D. M., & Wells, A. (1995). A cognitive model of social phobia. In R. G. Heimberg, M. R. Liebowitz, D. A. hope & F. R. Schneier (Eds.), *Social phobia: Diagnosis, assessment, and treatment* (pp. 69-93). New York: Guilford Press.
- Cloitre, M., Heimberg, R. G., Holt, C. S., & Liebowitz, M. R. (1992). Reaction time to threat stimuli in panic disorder and social phobia. *Behaviour Research and Therapy, 30*, 305-307.
- Eysenck, M. W. (1992). *Anxiety: The cognitive perspective*. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Eysenck, M. W. (1997). *Anxiety and cognition*. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Garner, M. J., Mogg, K., & Bradley, (2003). Orienting and maintenance of gaze to facial expressions in social anxiety. *Journal of Abnormal Psychology, 115*, 760-770.
- Horenstein, M., & Segui, J. (1997). Chronometrics of attentional proseees in anxiety disorder. *Psychopatology, 30*, 25-35.
- Horley, K., Williams, L. M., Gonsalvez, C., & Gordon, E. (2003). Social phobics do not see eye to eye: A visual scanpath study of emotional expression processing. *Journal of Anxiety Disorders, 17*, 33-44.
- MacLeod, A., Mathews, A., & Tata, P. (1986). Attentional bias in emotional disorders. *Journal of Abnormal Psychology, 95*, 15-20.
- Mansell, W., Ehlers, A., Clork, D. M., & Chen, Y. (2002). Attention to positive and negativ socia-evaluative works: Investigating the effect of social anxiety, trait anxiety and social threat. *Anxiety Stress and Coping, 15*, 19-29.
- Mathews, A., & MacLeod, C. (1985). Selective processing of threat cues in anxiety states. *Behaviour Research and Therapy, 23*, 563-569.
- Mogg, K., & Bradley B, P. (2002). Selective orienting of attention to masked threat faces in social anxiety. *Behaviour Research and Therapy, 40*, 1403-1414.
- Mogg, K., & Bradley, B, P. (1998). A cognitive-motivational analysis of anxiety. *Behaviour Research and Thropy, 36*, 809-848.
- Mogg, K., Braddley, B. P., de Bono, J., & Painter, M. (1997). Time course of attentional bais for therat information in nonclinical anxiety. *Behaviour Research and Therapy, 35*, 295-303.
- Prowne, S., & Mansell, W. (2002). Social anxiety, self-focused attention and the discrimination of negative, neutral and possetive audience members by their non-verbal behaviours. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy, 30*, 11-23.
- Rapee, R. M., & Spence, S. H. (2004). The etiology of Social Phobia: Empirical evidence and an initial model. *Clinical Psychology Review, 24*, 737-767.
- Rapee, R. M., & Heimberg, R. G. (1997). A cognitive-behavioral model of anxiety in social phobia. *Behaviour Research and Therapy, 35*, 741-756.
- Rinck, M., Beeker, E. S., Kellermann, J., & Roth, W. T. (2003). Selective attention in anxiety: Distraction and enhancement in visual search. *Depression and Anxiety, 18*, 18-28.
- Ruiter, C., & Brosschott, G. F. (1994). The emotional stroop interference effect in anxiety: Attentional bias or cognitive avoidance? *Behaviour Reaseach and Therapy, 32*, 315-319.
- Taghavi, S. M. R., Dalgelish, T., Moradi, A. R., Neshat-Doost, H. T., & Yule, W. (2003). Selective processing of negative emotional information in childeran and adolescents with generalized anxiety disorder. *British Journal of Clinical Psychology, 42*, 221-230.
- Taghavi, S. M. R., Moradi, A. R., Neshat-Doost, H. T., Yule, W., & Dalgelish, T., (2000). Interpretation of ambiguous emotional information in clinically anxious children and adolescents. *Cognition and Emotion, 14*(6), 809-822.
- Veljaca, K. A., & Rapee, R. M. (1998). Detection of negative and positive audience behaviours by socially anxious subjects. *Behaviour Research and Therapy, 36*, 311-321.
- Wells, A., & Mathews, G. (1994). *Attention and emotion: A clinical perspective*. Hove: Lawrence Erlbaum.
- Williams, J. M. G., Watts, F. N., MacLeod, C., & Mathews, A. (1997). *Cognitive Psychology and Emotioal Disorders*. Chiehester: Wiley.